

## گزیده رباعیات مولانا به ناشر سپرده می شود

کریم رجبزاده از آماده‌سازی گزیده‌ای از رباعیات مولانا برای انتشار خبر داد. کریم رجبزاده درباره آثار جدیدش گفت: در حال حاضر آماده‌سازی گزیده‌ای از رباعیات مولانا را به پایان برده‌ام. جایگاه رباعیات مولوی کمتر از غزلیات و مثنوی‌هایش نیست با این حال این بخش از اشعار مولوی نادیده گرفته شده‌اند. حدود ۱۰۶ رباعی از ۱۹۹۵ رباعی مولانا را برای انتشار در این مجموعه گردآوری کرده‌ام و در حال حاضر مشغول مذاکره با ناشر هستم.

## پوریا سوری

## وزن دنیا

### بگذار ما را تکفیر کنند

ز خاک سعدی شیراز بوی عشق آید، هزار سال پس از مرگ او گُرش بونی روز نخست اردیبهشت ماه با نام سعدی گره خورده است، در تقویم ما این روز، روز بزرگداشت سعدی نام نهاده شده و همه ساله کم و زیاد مجالس و بزرگداشت‌های مختلفی در سراسر کشور در ستایش نام و قلم سعدی برگزار می‌شود. امسال هم جدا از شیراز و مراسم همه ساله در جوار آرامگاه سعدی، در تهران هم شهر کتاب مرکزی در دو روز به تبیین نگاه و جهانی‌بینی شیخ اجل سعدی شیرازی پرداخت. سه‌شنبه و چهارشنبه گذشته بسیاری از سعدی‌پژوهان و بزرگان عرصه شعر و ادب ایران گرد هم آمدند و از سعدی گفتند، از یک سو مظاهر مصفا و نصرالله پورجوادی و ضیا موحد به باز تعریف خود از سعدی پرداختند و از دیگر سو محمد علی سپانلو و سالار عقیلی اهمیت سعدی را یادآور شدند. مظاهر مصفا گفت اگر سعدی نمی‌بود حافظ شناخته نمی‌شد و به زعم وی حافظ در تمامی اشعارش به دنبال سعدی است و تاثیراتی از او دارد، هرچند بیماری مجالس و مصفا سخنرانی اش نیمه تمام ماند اما ضیا موحد در سخنرانی که می‌توان ادامه سخنرانی مظاهر مصفا برشمردش گفت: شعر حافظ را می‌شود صرف کرد؛ اما شعر سعدی را نمی‌توان؛ زیرا سعدی سبک خاص خود را در اشعارش داشت و روانی اشعار او در هیچ شعری یافت نمی‌شود. موحد همچنین به نقل قولی جالب از ابراهیم گلستان اشاره کرد که ابراهیم گلستان در رابطه با اشعار سعدی می‌گوید که این اشعار نمونه بهترین نثر فارسی‌اند که همین سبک نیز در قصاید سعدی ادامه دارد و سعدی چنان راحت و محکم سخن می‌گوید که تسلط او به زبان فارسی را نشان می‌دهد. گل سخنرانی‌های روز دوم این همایش بی‌شک سخنان محمدعلی سپانلو بود که اگر چه با زحمت و با کمک عصا خود را به این مراسم رسانده بود اما با انرژی خاص خودش موضوعی را مطرح کرد که حاصل تدقیق و بررسی‌های خود شاعر بود و همین نکته سنجی حاضران را هم بر سر ذوق آورد.

محمدعلی سپانلو پس از آنکه در جایگاه سخنران حاضر شد گفت: قصد من این است که سعدی و بتهوون را در یک مورد با هم مقایسه کنم و آن این است که هر دو در هنر خود یک پایه بزرگ گذاشته‌اند و آن هم این است که تا قبل از آن‌ها، شاعر یا موزیسین‌ها جیره‌خوار یا حقوق‌بگیر دربار بودند و بعد از دوران و در ادامه مثنوی آنهاست که می‌بینیم تغییرات بسیاری رخ می‌دهد. سپانلو با اشاره به این که قبل از بتهوون موزیسین‌های بزرگی بودند که در دربارهای کوچک کار می‌کردند، گفت: بتهوون اولین هنرمندی است که برای دربار کار نمی‌کند و اگر دربار از او قطعه‌ای می‌خواست، می‌گفت که حوصله ندارد یا نمی‌خواهد کار کند. وی با اشاره به دوران سعدی و تشابه آن با بتهوون، بیان کرد: سعدی نیز نخستین کسی بود که پادشاهان و رهبران را ندا در دارد که آقایان تاریخ با شما شروع نشده است:

بس بگردید و بگردد روزگار دل به دنیا دریندد هوشیار  
ای که دستت می‌رسد کاری بکن/ پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار  
اینکه در شهنامه‌ها آورده‌اند/ رستم و رویبختن اسفند یار  
تا بداند این خداوندان ملک/ کز بسی خلقت دنیا یادگار...

همچنین سعدی نخستین کسی است که به ممدوح خود می‌گوید «تو باید افتخار کنی که من از تو شعر می‌گویم و بعدها هم افتخار می‌کنند که من در ایام تو بودم و بودن من است که نام تو شاید به میان بیآورد.»

اردیبهشت‌ماه، ماه نام‌های دیگری هم هست؛ از سهراب سپهری بگیر که در نخستین روز «آوردی بهشت» خاموش شد تا قیصر امین پور که دوم اردیبهشت زاده شد و عشق کامل شد. همین دوم اردیبهشت سالروز درگذشت ملکشعرا بهار هم هست، استاد بزرگ ادبیات فارسی که تصنیف «مرغ سحر» و آرامبخش و دلنار ما ایرانیان است. بهار چنانکه می‌داند سیاستمدار، مورخ و روزنامه نگار هم بوده است. خوش دارم این هفته را با یاد بهار سر کنیم و هفته آتی از سهراب و قیصر بگوئیم.

۳ در کتاب نایاب «برگی از تاریخ معاصر ایران» یا «فوغای جمهوری» تصنیف حسین کوهی کرمانی، چاپخانه مجلس ۱۳۳۱، ص ۱۳۱ تا ۱۲۹ آمده است؛ در ایام جنگ بین‌الملل اول تا اوایل دوره سلطنت رضاشاه یعنی تا زمانی که هنوز رضاشاه تمام قلم‌ها را تشکسته بود، انتقادات و طنزهای جالب سیاسی در روزنامه‌ها نشر می‌یافتند، و در بعضی موارد نویسندگان به وسایل جالبی متوسل می‌شدند تا بتوانند حرف‌های خود را به گوش ملت برسانند. در این مورد آوردن مثال از دو روزنامه با عقاید مخالف بی‌مناسبت نخواهد بود. هفته نامه‌ی نسیم صبا که به مدیریت کوهی کرمانی انتشار می‌یافت، در کشاکشی که بر سر مسأله جمهوری برخاست طرفداری از مرحوم مدرس و دسته ی اقلیت را می‌کرد و مخالف جمهوری بود؛ در طرف مقابل روزنامه ناهید به مدیریت میرزا ابراهیم تاهد قرار داشت که پس از کودتا در هزار و سیصد ششمی شروع به انتشار کرده و سخت از جمهوری طرفداری می‌کرد و کاریکاتورهای جالبی داشت. در یکی از شماره‌های نسیم صبا، چون امکان انتقاد عملی نبود، ملک الشعرا بهار که با کوهی همکاری داشت تحت عنوان «توشیح عقاید» نامه‌ای می‌نویسد که به ظاهر ستایش و طرفداری از سردار سپه و عقیده ی جمهوری است، در صورتی که اگر کلمات اول هر سطر خوانده شود نظری کاملا متفاوت بیان می‌کند. پس از انتشار روزنامه در ابتدا کسی متوجه ی موضوع نمی‌شود ولی بعدا خالصی زاده در مسجد شاه منبر می‌رود و هدف از «توشیح عقاید» را برای مردم توضیح می‌دهد، و کوهی که مردم او را نویسنده ی مقاله می‌دانستند، از ترس شبانه در مجلس شورای ملی متحصر می‌شود، و مدتی در آن جا می‌ماند تا خود سردار سپه به مجلس رفته به او اطمینان خاطر می‌دهد و بیرونش می‌آورد. این است قطعه‌ای که ملک الشعرا بهار به صورت موشح نوشته است، یادتان نرود که کلمات اول هر سطر را به صورت عمودی بخوانید و راز نهان در توشیح عقاید را دریابید: رضای ملت بر این است که قائد ایران حکومت



خان، خانی و ملوک الطوائفی را از دست یک مشت بی‌سواد، برهاند و مملکت ایران مانند ممالک مهم اروپا که، مقدرات خودشان را تعیین می‌کنند بشود که وزیرای، خود را بمسئولیت خود تعیین نموده و رئیس عالی خود را، خود انتخاب کند هرگاه ملتی بواسطه موانع نتوانست، مقدرات خود را با دست خود تعیین و در قضایا به‌مجلس، و اراده نمایندگان تکیه کرده خود را زنده به‌عالم معرفی، کند نمیتواند در دنیای امروزه زندگی مستقل بنماید، و وقتی یک ملتی خود را نتوانست زنده بداند چطور، می‌تواند در پیشگاه دنیای آزاد قرن بیستم خود را لایق، و شایسته درک تریقات شناسانده محو ریاست‌ها و سلطنت‌های موروثی را خواستگار و در مقابل جمهور، ملل سر افراز شده آسایش خود را چنانچه لازم است، اداره نماید. همچنین تسلط طرق و تجارت و سایر تأمینات، لازمه تدارک کند ولی دست اجنبی نمی‌گذارد، ناجی ایران و قائد توانای ایرانیان سردار ملت آزادانه، اصلاحات را اجرا نماید و آمال ملی را بر آورد چه بنویسیم، و چه ننویسیم ملت باید صلاح خود را تشخیص دهد لذا ما، بملت می‌گوئیم گوش بدستانت اجانب نداده باقافظ موشح، و لاف‌ها بی برده بظواهر کلمات ملون عقاید، ملی را که تلگرافات ایالات شاهد آنست نیاپوده از حقه، بازار عوام فریب پرهیز کننند ما حقایق ساده را، می‌نویسیم بگذار مرتجعین ما را تکفیر کنند.

بر رسولان پیام باشد و بس.

چنان که در هفته‌های گذشته هم اشاره کردم صفحه شعر فریختگان جهت گیری خاصی نسبت به هیچ کدام از نخله‌های شعری معاصر ندارد و تنها تلاش دارد بازتاب جریان‌های متفاوتی باشد که در فضای شعری ایران نقش می‌کنند. نظرانتان را در صورت تمایل با ایمیل [soori.poorya@gmail.com](mailto:soori.poorya@gmail.com) با من در میان بگذارید. این ستون و صفحه شنبه‌ها منتشر می‌شود.

## دوره‌های آموزشی دفتر شعر جوان در سال ۱۳۹۰

با توجه به استقبال چشمگیر شاعران جوان و علاقه‌مندان از دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت دفتر شعر جوان در طی چند سال اخیر، واحد آموزش این دفتر برای سال ۱۳۹۰ در دوره‌های زیر هنرجو می‌پذیرد: دکتر حسین پاینده/نقد فرمالیستی، شمس لنگرودی/ مکتب‌های ادبی و تاریخ تحلیلی شعر معاصر، احمد پوری/ شعر جهان،

Art@farheekhtegan.com

## چاپ اول

### دو شعر از نسرین بهجتی



#### صبح بخیر عزیزم

صبح بخیر عزیزم  
چرا من هر صبح خودم را  
در آینه تو سبز می‌بینم  
و تو خودت را در آینه من آبی  
بیا برویم باورمان را قدم بزینم  
تا شانه‌های خیابان خیال کنند  
جنگل و دریا به هم رسیده‌اند

#### گل آفتابگردان

تمام خاطرات را از کاشت تا برداشت  
از مزعه تا گنجشک  
سنگ پشت سنگ  
نشانه رفتن  
تا شاید بشکند در آفتاب نگاه من  
طرز چرخش معصومانه نگاه تو  
اما وقتی از تو می‌نویسم  
از انگشتانم آفتاب می‌ریزد  
گل آفتابگردان من!

### دو شعر از خیام ظهیری



اگر تو نبودی  
این کوچه  
با کدام بهانه بیدار می‌شد  
و این شب  
با کدام قصه می‌خوابید

#### ۶

با یک بغل گل داوودی  
به دیدن می‌ایم  
در همان کوچه  
که برای اولین بار  
خودم را گم کردم

#### پرنده‌ی من

پرنده‌ی من خواند و...  
سبب‌های سرخ، سرخ سرخ  
لب‌های تو بودند  
که می‌چیدم.  
پرنده‌ی من خواند و...  
ستاره‌های آسمان  
چشمان تو بودند  
که می‌دیدم.  
پرنده‌ی من خواند و...  
راه آب باز شد  
ماهی کوچکی آمد  
خندید و رفت.

باد آمد برگ‌ها ریخت  
پرنده‌ی من خواند و باران گرفت

پرنده‌ی من خواند و...  
پرنده‌ی من رفت.

### دو شعر از محمد آسیابانی



چراغ مطالعه را خاموش کن  
تا حشرات  
راحت بخوابند.

#### ۲

چیکار می‌کنی تو نوک قله؟  
ایله، پاییز همه جا هست،  
حتی تو جیب من و تو  
حتی تو دهکی سیگار فروشی.

### سه شعر از کیانا برومند جاوید



۱  
هوای مرگ گرفته‌ام  
مثل درخت  
وقتی جنگش را بوی تبر بردارد

۲  
این حقیقی‌ترین «ایسم» زندگی من است:  
«روماتیسم» مادرم

۳  
پنجره‌ها می‌لرزند  
حتی باد  
اتاق کوچکی دارد



## فرهنگستان

دوره جدید - شماره ۵۳۷  
شنبه ۱۳ اردیبهشت ۹۰  
۱۹ جمادی‌الاول ۱۴۳۲  
۲۳ آوریل ۲۰۱۱

۹

## پیشخوان

### پیراهن تو پرچم کدام جمهوری است

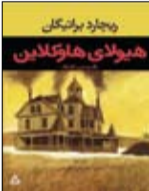


#### رسول پیره

نشر: دفتر شعر جوان

«پیراهن تو پرچم کدام جمهوری است» عنوان یکی از مجموعه شعرهایی‌ست که دفتر شعر جوان در اسفندماه ۱۳۸۹ به چاپ رسانده است. این کتاب سروده‌های رسول پیره در قالب سپید است که در اختیار خوانندگان قرار گرفته است. قطع کتاب رقعی است و با شمارگان ۱۱۰۰ نسخه منتشر شده است. طرح جلد اثر فرزاد ادیبی است.

### هیولای هاوکلاین



#### ریچارد براتیگان

نشر: افراز

رمانی دیگر از ریچارد براتیگان با عنوان هیولای هاوکلاین و با ترجمه سارا خلیلی‌چهرمی توسط نشر افراز روانه ویرترین کتابفروشی‌ها شد. در این رمان که به دوران میانی کار براتیگان تعلق دارد نویسنده با بهره‌گیری از مختصات دو زائر گوتیک و وسترن و با طنزی که درآشارسش به امضای شخصی او تبدیل شده بود، موفق می‌شود فضای جذاب و تأمل‌برانگیز در روایت خود ایجاد کند. براتیگان نویسنده و شاعر نامدار آمریکایی است که در میانه قرن بیستم و همزمان با جنبش ادبی نسل بیت به شهرت رسید.

پیش از این از آثار او رمان‌های صید قزلب‌الا در آمریکا، در قند هندوانه، نرسال نیروهای متحد در بیگ سور، پس باد همه چیز را با خود نمی‌برد و یک زن بدبخت به زبان فارسی ترجمه شده است. همچنین مجموعه شعرهای کلاه کافکا، لطفاً این کتاب را بکارید، عاشقانه‌های شاعر گمنام و خانه‌های جدید در آمریکا نیز از آثار او به فارسی برگردانده شده‌اند. سارا خلیلی‌چهرمی شاعر و مترجم که هیولای هاوکلاین را به فارسی برگردانده پیش از این در کارنامه خود ترجمه نمایشنامه‌های اتاق و پیشخدمت گنگ از هارولد پینتر را ثبت کرده است.

### سطر اول را نمی‌نویسم



#### شعر کوتاه ارمنستان

واحه ارمن

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

نشر: چشمه

آشنایی با شعرهای دیگر مردم جهان به‌خصوص کسانی که دارای تاریخ و فرهنگ کهنسالی هستند برای فارسی‌زبانان از طریق ترجمه این شعرها عملی است. پیش‌تر در قالب چندین کتاب ترجمه آثاری از شعرا ارمنستان را منتشر کرده بودیم و سطر اول را نمی‌نویسم جدیدترین اثر از این مجموعه است که با گزینش و ترجمه واژه آرمن تقدیم دوستداران شعرهای خارجی می‌شود. نمونه‌ای از شعرهای این مجموعه:

وقتی کبوترها بخوابند  
با گل‌ها، در دنیا  
کودکانی زاده خواهند شد، که برای  
سردن شعر  
در پی واژه‌ها نخواهند گشت... مثل  
لانه‌ی پرستو،  
شعر با تیش دل،  
با نور جان و  
با خاک بافته می‌شود،  
اما در آن  
کهکشان... آشیانه می‌کند.